

جامه معرفت

انتخاب و توضیح

دکتر محمد فرمند

عضو هیات علم دانشگاه آزاد اسلام واحد اردبیل

برگزیده اشعار

سنایی غزنوی

انتشارات علمی

دانشگاه آزاد اسلام واحد اردبیل

سرشناسه	: سنایی، مجدودبن آدم، ۴۷۳ - ۵۲۵ هـ.ق.
عنوان قراردادی	: حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: جامه معرفت (برگزیده اشعار حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی) انتخاب و توضیح
مشخصات نشر	: اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی (اردبیل)، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۳ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۰۸۳۶-۱
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۷۹.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۶ق.
موضوع	: شعر عرفانی - قرن ۶ق.
شناسه افزوده	: فرهنگد، محمد، ۱۳۵۰- گردآورنده
شناسنامه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل
رده بندی کنگر	: PIR ۴۹۴۴/۱۹ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	: ۸۲۳/۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۰۶۸۰۷

عنوان: جامه معرفت (برگزیده اشعار حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی)
 شرح و توضیح: دکتر محمد فرهنگد (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل)
 ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
 تایپ، حروفچینی، صفحه آرایی: حبیب ایرانی
 طرح جلد: قدرت ناصر
 چاپ: اول
 سال نشر: ۱۳۹۰
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و توزیع دانشگاه آزاد اسلامی
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۰۸۳۶-۱
 قطع: وزیری
 تیراژ: ۲۰۰۰
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

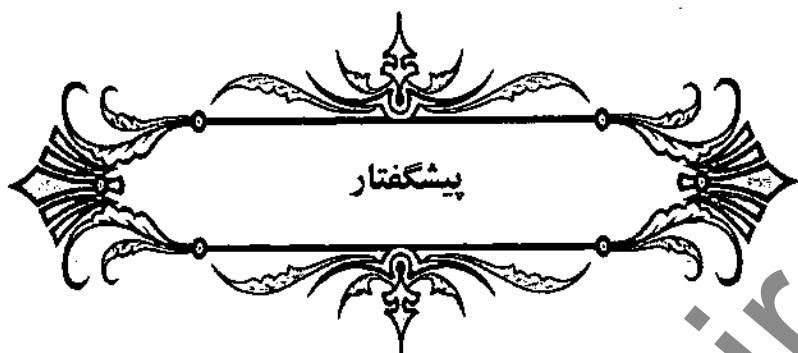
حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آدرس: اردبیل - حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
 اداره انتشارات علمی - تلفن: ۷۷۱۲۱۲۸ - ۷۷۲۲۵۴۵ - ۷۷۲۳۵۴۵ - ۰۴۵۱

آدرس پست الکترونیکی: pub@iauardabil.ac.ir

پیشگفتار	۱
متن حذیقه الحقیقه	۱۱
شرح و توضیحات	۶۹
فهرست آیات	۲۶۷
فهرست احادیث و روایات و اقوال	۲۷۵
فهرست منابع و مآخذ	۲۷۹

www.ketab.ir



بسم الله الرحمن الرحيم

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی از شاعران بزرگ قرن ششم هجری و سلسله جنیان شعر عرفانی است. تاریخ تولد او به درستی معلوم نیست ولی آنچه اکثریت در آن اتفاق نظر دارند، این است که ولادت سنایی در سال ۴۶۷ هـ.ق در غزنین اتفاق افتاده است.

در آغاز کار به مداحی اشتغال داشت و چند سال از دوران جوانی خود را در شهرهای بلخ و سرخس و هرات و نیشابور گذراند و گویا در همان ایام که در بلخ بود راه کعبه را پیش گرفت. بعد از بازگشت از سفر کعبه مدتی در بلخ به سر برد و از آنجا به سرخس و مرو و نیشابور رفت و هرجا چندی در سایه تعهد و نیکوداشت بزرگان علم و روسای محل به سر برد تا در حدود سال ۵۱۸ هـ.ق به غزنین بازگشت. یادگارهای پر ارزش این سفر دراز مقداری از قصاید و اشعار سنایی است که در خراسان سروده است و «کتابنامه بلخ» که در شهر بلخ به رشته نظم کشیده است.

در تاریخ وفات وی نیز اختلاف نظر است. مرحوم مدرس رضوی در مقدمه دیوان سنایی بعد از ذکر آرای مختلف تاریخ وفات وی را سال ۵۳۵ هـ.ق می‌داند. مزار وی در غزنین زیارتگاه مشتاقان ادب و عرفان است.

در انقلاب حال و مجذوبیت وی از طرف تذکره نویسان ماجرای نقل شده که ظاهراً از برساخته‌های عرفا و صوفیان بعد از وی است.^(۱) «و بی‌گمان علت به وجود آمدن این داستان در پیرامون زندگی سنایی این بوده است که خوانندگان اهل و آشنای عالم شعر، از دوگانگی شخصیت سنایی و دوگانگی شعر او در شگفت بوده‌اند و از خود می‌پرسیده‌اند که سراینده شعرهایی از نوع:

دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

یکی زین چاه ظلمانی برون شو، تا جهان بینی

چگونه می‌تواند گوینده آن مدایح اغراق آمیز و چاپلوسانه باشد. برای آنکه توجیهی فراهم آورند، این داستان را برساخته‌اند تا خاطر آیندگان آسوده شود که آنچه شعر زهد و مثل و عرفانی و متعالی است مربوط به یک مرحله از زندگی سنایی است و آنچه مدح و هجو است، از آن دوره قبل از آن و مرز این دو مرحله از زندگی سنایی را، در برخورد سنایی با آن دیوانه لای‌خوار و شنیدن حرف‌های او دانسته‌اند.^(۲)

دکتر شفیعی کدکنی در کتاب «تاریخ‌های سلوک» به سه ساحت وجودی و شخصیتی سنایی اشاره کرده، می‌گوید:

در آن سوی افسانه‌ها، یا حتی با پذیرش افسانه‌ها، از تورتی دیوان سنایی، در همان نخستین برخورد می‌توان دریافت که سنایی سه شخصیت بسیار متفاوت دارد که عبارتند از:

- ۱- سنایی مداح و هجاگوی (قطب تاریک وجود او)
 - ۲- سنایی واعظ و ناقد اجتماعی (مدار خاکستری وجود او)
 - ۳- سنایی قلندر و عاشق (قطب روشن وجود او)^(۳)
- ولی آنچه سنایی را از شاعران دیگر ممتاز می‌سازد، نه مدایح او، بل شعرهای عرفانی و قلندرانه اوست که سرآغازی برای پیدایش شعر عرفانی است که مولوی نیز بعدها تحت الشعاع همین اشعار او قرار می‌گیرد.

در مجموعه آثار باقیمانده از سنایی به ویژه قصاید و غزلیات و حدیقه می‌توان یک دوره

اندیشه‌های عرفانی را هرچند به صورت گذرا سراغ گرفت.

سنایی در واقع خون تازه‌ای را در رگ‌های شعر و ادب فارسی وارد کرد. در واقع وی به نوعی نیمای زمان خود به شمار می‌رود که تحولی در قصیده و غزل و مثنوی انجام داد و حال و هوای تازه‌ای را وارد ساختار سنتی شعر کرد.

«سنایی اولین شاعریست که افکار تصوّف و اصطلاحات عرفان و گفتار مشایخ را با ذوقیات شعری آمیخته، در قالب نظم درآورده و سخنان بلند و معانی دلپسند حکما را لباس موزون پوشانیده است. هرچند پیش از حکیم سنایی شیخ ابوسعید اَبی‌الخیر اشعار عرفانی سروده و بعضی مطالب تصوّف را در رباعیات خویش آورده، لیکن چون شعر بسیار از او روایت نشده و آنچه از او باقیست، بسیار اندک و جز چند رباعی شعر دیگری از او به اخلافتش نرسیده، از این روی او را در عداد شعرا نشموده، سنایی را اول شاعر متصوّف زبان پارسی گفته‌اند.

وی افکار متصوّفه و معانی عالی تصوّف را در ادبیات فارسی گنجانیده و به بهترین و شیرین‌ترین عبارتی در سلک نظم درآورده. بدین جهت است که سبک و شیوه شعر فارسی از زمان او رنگ دیگری به خود گرفته و تحول و انقلابی در آن پدید گشته و شعر فارسی با آمیزش با افکار صوفیه جمال و زیبایی مخصوصی یافته است.

گرچه شعرای متصوّف دیگری مانند شیخ عطار و مولانا جلال‌الدین بعد از سنایی ظهور نموده و به همان سبک شعر گفته و مراتب سلوک و دقائق عرفان را با سوز و گداز تمام و جوش و جذبه بسیار با شعر آمیخته و با ذکر حکایات دلنشین و افسانه‌های شیرین همه را فریفته و دلباخته سخنان خویش نموده‌اند، با این حال همگی به تقدّم حکیم سنایی معترف و در ابداع این شیوه و ابتکار این طریقه او را استاد و پیشوای خویش دانسته‌اند»^(۲)

قدیمی‌ترین جایی که از اشعار حدیقه نقل شده، کتاب کلیله و دمنه بهرامشاهی است و ابوالمعالی نصرالله منشی که معاصر با حکیم بوده، چند بیت از اشعار حدیقه را در ترجمه کلیله و دمنه به استشهد آورده است. مولوی به خاطر احترام زیادی که به سنایی قایل بود، در

اشعارش از وی با تکریم یاد می‌کند. در تعظیم و تکریم سنایی به وسیله مولوی ارباب تذکره ابیاتی از وی نقل کرده‌اند:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدیم (۵)

و نیز در غزلیاتش گوید:

اگر عطار عاشق بُد، سنایی شاه و فائق بُد نه اینم من، نه آنم من، که گم کردم سر و پا را^(۶)

مولوی تکریم فوق العاده‌ای از سنایی می‌کند و این تکریم از تأثیرگذاری حقیقه الحقیقه بر مثنوی مولوی بوضوح مشخص است.

تأثیری که حقیقه الحقیقه سنایی در ذهن و اندیشه مولانا گذاشته، از لابلای ابیات مثنوی هویداست. چنانکه وقتی کلام خود را با کلام سنایی مقایسه می‌کند، آن را «ترک‌جوش نیم‌خام» می‌خواند و تکمیل و تتمیم و شرح آن را به اشعار سنایی حواله می‌کند:

«ترک‌جوشی» کرده ام من نیم‌خام از حکیم غزنوی بشنو تمام

در «الهی‌نامه» (۷) گوید شرح این آن «حکیم غیب و فخرالعارفین»

مولوی در مثنوی از سنایی با عنوان حکیم بُرده‌ای یا حکیم پرده‌ای یاد می‌کند:

بشنو الفاظ «حکیم بُرده‌ای» سر همانجا نه که باده خورده‌ای

مست از میخانه‌ای چون ضال شد نسخر و بازیچه اطفال شد

می‌فتد این سو و آن سو هر رهی در گل و می‌خنددش هر ابلهی

او چنین و کودکان اندر پی‌اش بی‌خبر از مستی و ذوق می‌اش

(مثنوی، ۹/۴-۳۴۲۶)

که اشاره به این ابیات سنایی در حقیقه الحقیقه دارد:

برمدار از مقام مستی پی سر همانجا بنه که خورده‌ای می (۸)

مولوی سنایی را در مثنوی با عنوان‌های حکیم، حکیم غزنوی، حکیم کامیار و حکیم بُرده‌ای یا حکیم پرده‌ای می‌خواند که شاید این تعبیر اخیر اشارت باشد به اینکه وی بُرده و مجذوب و ربوده حق بوده باشد یا آنکه در پرده سخن یا در قباب غیرت حق مستور و

محبوب بوده باشد. به هر حال این طرز تعبیر، اهمیت وی را در نظر مولانا می‌رساند و معلوم است که وی بیش از هر شاعر دیگر در مثنوی تأثیر دارد. چنانکه غیر از اخذ بعضی قصه‌ها و شرح بعضی اشعارش که در عنوان مطالب به آن‌ها اشارت هست، تعدادی از مضامین کلام وی نیز ظاهراً بدون توجه در سخن مولانا انعکاس دارد. و این جمله، نشان انس و الفت مستمر جلال‌الدین محمد با دیوان و با مثنویات اوست.

معهداً تأثیر حدیقه بیش از دیوان در مثنوی محسوس و بارزست. همچنین اینکه در حوزه مریدان مولانا، حدیقه الحقیقه سنایی کتابی مقدس تلقی می‌شده که احیاناً مریدان را بدان سوگند می‌داده‌اند و آثار سنایی نوعی کتاب بالینی تلقی می‌شده است.^(۹)

کتاب حدیقه در حقیقت یک دوره حکمت عملی است که سرمشق زندگانی مردم و راهنمای اخلاق فردی و اجتماعی بشر است و حکیم در این کتاب مردم را به خداپرستی و نیکوکاری و شجاعت و عفت و بزرگمشی و عشق و محبت و رضا و تسلیم دعوت نموده و طرز معامله مردم را با یکدیگر آموخته است و همچنین به پادشاه و وزرا و طبقه حاکمه و قضاة، رسم کشورداری و روش رعیت پروری و طرز عدالت‌گستری را به فصاحتی تمام بیان و تعلیم داده است.

کتاب حدیقه علاوه بر مزایای ادبی آن که نتیجه طبع روان و فکر بلند و ذوق سلیم گوینده آنست، بیش‌تر مطالب آن ناظر به آیات قرآن کریم و اخبار نبوی و آثار صحابه و کلمات مشایخ و معانی دینی و اخلاقی و فلسفی و عرفانی و اشعار و حکم و حکایاتست و از این کتاب پیداست که حکیم علاوه بر تبحر کامل وی در زبان پارسی، از معارف و علوم اسلامی خصوصاً علوم ادبیه، تفسیر، حدیث، فقه، حکمت، عرفان، منطق، کلام، تاریخ، نجوم و طبّ اطلاع کامل داشته و به رموز دقیقه هریک به خوبی واقف بوده است و کم‌تر بیتی از این کتاب است که خالی از نکت ادبی باشد.^(۱۰)

آثار سنایی

۱- دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات که در حدود چهارده هزار بیت است.

این کتاب توسط مرحوم مدرّس رضوی به چاپ رسیده است.

۲- حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه: این مثنوی که به نام‌های «الهی نامه» و «فخری نامه» نیز مشهور است، از مهم‌ترین مثنوی‌های سنایی است که در بحر خفیف سروده شده و بالغ بر ده هزار بیت است. این مثنوی اولین مثنوی عرفانی در تاریخ ادبیات فارسی به شمار می‌رود و در واقع سنایی اولین کسی است که عرفان را در قالب مثنوی سرود.

حدیقة الحقیقه از جمله منظومه‌هایی است که در ادبیات فارسی تأثیر بسزایی گذاشته است. این کتاب را محمد بن علی الرفاء به امر بهرامشاه گردآوری کرد و مقدمه‌ای فصیح بر آن نوشت که از نمونه‌های خوب منشآت صوفیانه به شمار می‌رود.

کتاب حدیقة الحقیقه دارای ده باب است به شرح زیر:

- ۱- باب اول در توحید باری تعالی.
- ۲- باب دوم در ذکر کلام خداوند.
- ۳- باب سوم در نعت پیامبر و فضایل صحابه.
- ۴- باب چهارم در صفت عقل.
- ۵- باب پنجم در فضیلت علم و معنی عشق.
- ۶- باب ششم در ذکر نفس کلی و احوال و مراتب آن.
- ۷- باب هفتم در غرور و غفلت و نسیان.
- ۸- باب هشتم در مدح سلطان بهرامشاه بن مسعود.
- ۹- باب نهم در بیان سبیل سعادت.
- ۱۰- باب دهم در عذر و صفت تصنیف کتاب.

این کتاب در ردیف مجموعه کتاب‌های انتشارات دانشگاه تهران توسط مرحوم مدرّس رضوی چاپ شده است.

۳- سیرالعباد الی المعاد: مثنوی است رمزی و عارفانه در وزن حدیقه الحقیقه که در آن سنایی نوعی سفر به عالم روحانیات را می‌نماید و به طریق تمثیل از خلقت انسان و اقسام نفوس و عقل و مسائل اخلاقی سخن به میان می‌آورد.

۴- کارنامه بلخ: کارنامه بلخ یا مطایبه‌نامه مثنوی است در بحر خفیف در پانصد بیت که سنایی آن را در هنگام توقف در شهر بلخ به نظم کشیده است. این مثنوی به جهت دارا بودن اشاراتی به زندگی شخصی سنایی و بعضی معاصرانش حائز اهمیت است.

۵- تجریمه القلم: مثنوی کوتاهی است در حدود صد بیت که در آن در مورد حرمت قلم و خطاب به آن ابیاتی را سروده است و سپس وارد بعضی مسائل عرفانی شده است.

۶- مکاتیب سنایی: مجموعه چند نامه از سنایی است که وی به یاران خود نوشته است. استاد نذیر احمد از محققان برجسته هند این مجموعه را گردآوری کرده است.

آثار منسوب به سنایی

طریق التحقیق: این مثنوی که تا همین چند سال قبل در انتسابش به سنایی کوچک‌ترین تردیدی وجود نداشت امروز بر اثر مطالعات دقیق و عالمانه آقای بواوتاس استاد دانشگاه اوبسالا، در سوئد روشن شده است که نمی‌تواند از آثار سنایی باشد. (۱۱)

عقلنامه: این مثنوی نیز به قراین سبک شناسی نمی‌تواند از آن سنایی باشد.

عشق نامه: این منظومه نیز در مجموعه مثنوی‌های حکیم سنایی به نام او چاپ شده است. ولی سبک سخن و اسلوب شعر آن، از عوالم سخن سنایی به دور است (۱۲).

سنایی نامه: منظومه کوچکی است که به دلایل سبک شناسی نمی‌تواند از سنایی باشد (۱۳).

سخنی چند درباره این گزیده

این گزیده مشتمل بر ۱۱۷۶ بیت می‌باشد که در آن از ابتدای کتاب حدیقة الحقیقه که در واقع بازگو کننده اندیشه شاعری سنایی است، قسمت‌های معتناهی آمده است و در هر بابی فصولی مطرح شده و به فراخور آن فصل، حکایاتی آمده است. بنده نیز برآن نیستم که این برگزیده به دور از نقص و زیان بوده چه:

قبا گر خریز است و گر پرنیان بناچار خشوش بود در میان

لیکن در حدّ وسیع سعی بر این داشته‌ام که ابیاتی از این کتاب انتخاب و مطرح شود که در واقع بازگو کننده و گویای شخصیت و اندیشه سنایی و کلیدی برای وارد شدن به کتاب ده هزار بیتی حدیقه باشد.

در این گزیده جز چند مورد که با علامت (?) مشخص شده است، در حدّ امکان تمام بیت‌ها موشکافی و حلّاجی شده است.

امید است که این وجیزه ناچیز مورد قبول ادب‌دوستان سخن‌سنج و صاحب‌دلان دریادل واقع شود و خطاهای نگارنده اندک بضاعت را یادآوری نمایند تا در اصلاح آن‌ها کوشد. در پایان بر خود فرض می‌دانم که از تمام عزیزانی که چراغ دانش را فرا سویم نهاده‌اند، کمال تشکر را داشته باشم.

نیز از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل که با در اختیار قراردادن امکانات لازم و پشتیبانی‌های عملی موجبات چاپ این کتاب را فراهم کردند، کمال تشکر و سپاس را دارم.

همچنین از همسرم که در رونویس کردن مسودات و درآوردن فهرست‌ها و نیز فراهم کردن مقدمات این تألیف زحمات زیادی را متحمل شدند کمال تشکر و سپاس را دارم. سپاسگزاری از سروران و دوستانی که در این اثر ناچیز به دیده عنایت نگریستند و همت خویش را بدرقه راهم کردند، نیز بر بنده فرض است.

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافریست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایندش

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»

محمد فرمند

تابستان ۱۳۸۹

www.ketab.ir

یادداشت‌های پیشگفتار

- ۱- رک تذکره دولتشاه سمرقندی، رمضانی، محمد ص ۷۶-۷۷.
 - ۲- تازیانه‌های سلوک، شفیعی کدکنی، محمد رضا ص ۱۶.
 - ۳- همان، ص ۲.
 - ۴- حدیقه الحقیقه، مدرّس رضوی، ص کج.
 - ۵- این بیت معروف را قاضی نورالله شوشتری در مجالس المومنین به نام مولانا ذکر کرده است.
 - ۶- کلیات شمس، فروزانفر، بدیع الزمان ص ۷۳۹.
 - ۷- منظور از الهی نامه، همان کتاب حدیقه الحقیقه سنایی است. مولوی در مثنوی و آثار دیگر خود همه جا حدیقه را با نام «الهی نامه» یاد می‌کند:
- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| آن چنان گوید حکیم غریبوی | در «الهی نامه» گر خوش بشنوی |
| کم فضولی کن تو در حکم قدر | درخور آمد شخص خر با گوش خر |
| شد مناسب عضوها و ابدالها | شد مناسب وصف‌ها با جان‌ها |
- (مثنوی، ۳/۳-۲۷۷۱)
- ۸- رک توضیحات بیت ۴۳۵ همین کتاب.
 - ۹- سرنی، زرّین کوب، عبدالحسین ج ۱، ص ۲۵۱.
 - ۱۰- حدیقه الحقیقه، مدرّس رضوی، ص کج.
 - ۱۱- تازیانه‌های سلوک، شفیعی کدکنی، محمد رضا ص ۱۶.
 - ۱۲- همان، ص ۱۹.
 - ۱۳- همان، ص ۱۹.